

بازتاب داستان های قرآنی در اشعار محمد مهدی جواهری و قیصر امین پور

کبری بارانی

دانشجوی کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کهنوج، کهنوج، ایران

چکیده

نویسندگان و شاعران مسلمان همواره از قرآن و احادیث و روایات و داستان های دینی بهره مند بوده و هستند؛ و بازتاب این بهره وری را در خلال یافته ها و اشعارشان به صورت های گوناگون آورده اند. یکی از امکاناتی که شاعر می تواند به کمک آن، نقش خیال انگیزی شعر را به ظرفیت های معنا آفرینی آن پیوند زند و قدرت و تاثیر گذاری شعر خویش را بیشتر کند، استفاده از تلمیح است. تلمیح مصدر باب تفعیل به معنای گوشه چشم به چیزی نگریستن، دیدن و اشاره کردن و آشکار کردن است و در فن بدیع عبارت است از این که نویسنده یا شاعر برای اثبات سخن خود به آیه ای، حدیثی، قصه، مثل، یا شعری مشهور اشاره کند. ارزش تلمیح به میزان تداعی بستگی دارد که از آن حاصل می شود. محمد مهدی جواهری و قیصر امین پور دو شاعر مسلمان دوره معاصر عرب و ایران به شمار می روند که اشعارشان در بر دارنده تلمیحات قرآنی و دینی فراوانی می باشد. در این تحقیق برآنیم که تلمیحات قرآنی را در اشعار دو شاعر بررسی نماییم. نتایج این پژوهش نشان می دهد که تلمیحات جواهری و امین پور بیشتر بر اساس توجه به داستان ها و حوادث قرآنی و دینی بوده است.

واژه های کلیدی: تلمیح، داستان، قرآن کریم، محمد مهدی جواهری، قیصر امین پور.

مقدمه

تلمیح یکی از آرایه های پرکاربرد در شعر و نثر است و اغلب شاعران بزرگ برای اعتبار بخشی به شعر خویش از این آرایه سود برده اند و می توان گفت برای ماندگاری و ارزش بیشتر شعر خویش از قرآن کریم بهره ی بیشتری برده اند. تلمیح از جمله صناعاتی است که تابع چند عامل اساسی: یکی سنت ادبی و دیگری ذوق و دانش ادیب و سوم میزان دخالت عناصر بیرونی چون زندگی شخصی، محیط، تاریخ، سیاست، وقایع اجتماعی و... می باشد. روشن است نویسندگان و شعرا بسته به اینکه در معرض کدام عنصر قرار می گیرند میزان و بسامد خاصی از تلمیح در آثارشان بیشتر می شود؛ بنابراین شاعری آرایه تلمیح را به کار می برد که اطلاعات جامع و کاملی از موضوع و مضمون مورد بحث داشته باشد زیرا شاعر باید در خلال سخن به آیه ای شریفه، داستان، واقعه و... چنان اشاره کند که کلام با الفاظ اندک بر معانی بسیار دلالت نماید. جواهری و امین پور باهنرمندی خیره کننده ای از آرایه تلمیح استفاده نموده اند. به همین دلیل در این پژوهش برآنیم به بررسی اشعار محمد مهدی جواهری و قیصر امین پور در میزان بسامد استفاده از تلمیحات قرآنی بپردازیم و بیشتر به جنبه های داستانی توجه خواهیم نمود زیرا داستان برای همه قابل درک و فهم می باشد و انسان پیش از آنکه عقلی باشد احساسیت و ناخودآگاه داستان را دوست دارد و برایش زیباتر است. انواع تلمیح در اشعار جواهری و امین پور کدام اند؟ میزان توجه جواهری و امین پور به صنعت تلمیح تا چه اندازه بوده است؟ از میان انواع تلمیح به کدام یک توجه بیشتری نشان داده است؟ جواهری و امین سخت باقرآن آشنا بوده اند و فراوان به مضامین قرآنی تلمیح داشته اند.

اهداف تحقیق:

آگاهی از کاربردهای قرآنی و تلمیح در مجموعه شعرهای جواهری و امین پور شاعران معاصر مسلمان که شعرشان سرشار از فرهنگ، دین، تاریخ و دیگر دانش هاست و همچنین پیوند فرهنگ ها و روابط بین دو کشور عراق و ایران.

اهمیت و ضرورت پژوهش:

نگارنده در این پژوهش تلاش نموده تا اینکه در اشعار دو شاعر مسلمان به صورت مجزا و مقارنه ای به تلمیحات قرآنی بپردازد. تهیه چنین پژوهشی خوانندگان را با شعر این دو شاعر آشنا می سازد و میزان هنر آنان را در به کار بردن تلمیح نمایان می سازد.

روش تحقیق:

روش کار در این تحقیق، به شیوه ی توصیفی و تحلیلی است. این تحقیق به صورت کتابخانه ای و فیش برداری انجام گرفت؛ به این صورت که ابتدا در خصوص پیشینه این موضوع به یادداشت برداری با توجه به موضوع تحقیق پرداخته شد. در نتیجه روش تحقیق این مقاله، کتابخانه ای و توصیفی است.

پیشینه ی پژوهش:

فردین احمدی (۱۳۹۳) پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تناس و ساختار قرآن در اشعار محمد مهدی جواهری» با راهنمایی حمیدرضا عبدالمهدی و مشاوره حسن سوری، در این پژوهش به بررسی کم و کیف اقتباس های محمد مهدی جواهری از قرآن پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که قرآن کریم نخستین منبع، سرچشمه و اساس اصلی عمارت ادبی اشعار جواهری است که در شکل گیری شخصیت ادبی وی تاثیر بسزایی نهاده است. بر این اساس شاهد بینامتنی وسیع

قرآنی در اشعار شاعر هستیم. بازتاب الفاظ و مفاهیم و سبک ادبی موسیقایی قرآن گاه در قالب یک شکل به هم پیوسته بر ساختار کلی اشعار شاعر در یک قصیده به وضوح نمایان است و گاه جداگانه در اشعارش جلوه می‌نمایند.

مجتبی شاهسونی و حسن میرزایی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «جلوه‌های قرآن کریم در اشعار محمد مهدی جواهری» مهم ترین جلوه‌های قرآنی اشعار این شاعر را در سه بخش الفاظ و ترکیبات، اندیشه‌ها و مضامین، شخصیت‌ها و حوادث قرآنی قسیم نمودند و به این نتیجه رسیدند که شاعر موجی از مفاهیم اسلامی به ویژه جلوه‌آیات قرآن کریم را به صورت اقتباس یا تضمین یا درج به کار برده است. رضا کیانی و همکاران در پژوهشی تحت عنوان «جلوه‌های بینامتنی قرآن کریم در شعر قیصر امین‌پور» به واکاوی شیوه‌های اثرپذیری قیصر امین‌پور که در مباحث زبان‌شناسی نوین از آن به عنوان تناسی یاد می‌شود می‌پردازد که به صورت عام و کلی بررسی شده است؛ اما ساختار شعر قیصر به خوبی نشان می‌دهد که آیات قرآن بدون اینکه چندان به وضوح جلوه‌گری کنند، نهفته شده‌اند؛ بدین معنا که به نظر می‌رسد شاعر مفاهیم قرآنی را بیشتر به صورت ناخودآگاه در اشعارش منعکس نموده و به جز چند مورد معدود، اشاره مستقیمی ندارد.

جامعه تحقیق:

آثار محمد مهدی جواهری و قیصر امین پور

بحث و بررسی

جایگاه شعر و شاعران در قرآن

اسلام به «شعر» اهمیتی می‌دهد و پیامبر اسلام شعرای متعهد را ارج می‌نهد است، با این حال خداوند متعال در قرآن مجید با صراحت تمام صفت «شاعر» بودن را از پیامبر نفی فرموده است. چنان‌که «شعر نبودن» قرآن مجید را تصریح نموده است.

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ؛ نه ما او را (یعنی محمد صلی الله علیه و آله)

شعر آموختیم و نه شاعری شایسته مقام اوست، بلکه این کتاب ذکر الهی و قرآن روشن بیان خداست. (سوره یس/ آیه ۶۹).

«وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ. أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ. وَإِنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ؛ (پیامبر شاعر نیست). شعرا کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می‌کنند. آیا نمی‌بینی آن‌ها در هر وادی سرگردانند و سخنانی می‌گویند که خود عمل نمی‌کنند، مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند و خدا را بسیار یاد می‌کنند و به هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوند به دفاع از خویشتن و «مؤمنان» بر می‌خیزند (و از ذوق شعری خود کمک می‌گیرند) و به زودی آن‌ها که ستم کردند می‌دانند که بازگشتشان به کجاست.» (سوره شعراء/ آیات ۲۲۷ - ۲۲۴).

وَيَقُولُونَ أَأَنْتَ لَتَارِكُوا آلِهَتَنَا لَشَاعِرٍ مَجْنُونٍ؛ (با کمال تکبر و بی‌شرمی) می‌گفتند آیا ما برای خاطر شاعر دیوانه‌ای دست از خدایان خود برداریم. (سوره صافات/ آیه ۳۶). «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ. وَمَا هُوَ يَقُولُ شَاعِرٌ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ؛ قرآن به حقیقت وحی خدا و کلام رسول بزرگوار است. نه شخص شاعری «و گفتار خیالی و موهومی» است گرچه اندکی مردم هوشیار به آن ایمان می‌آورند.» (سوره حاقه/ آیات ۴۲ و ۴۱). «أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبِّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ. قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ؛ یا که (کافران نادان) گویند (محمد صلی الله علیه و آله) شاعریست (ماهر) و ما حادثه مرگ او را انتظار داریم. (تا به مرگ از دعوی نبوتش آسوده شویم). ای رسول بگو شما به انتظار مرگ من باشید که من هم از منتظران (مرگ و هلاک) شما هستم.» (سوره

طور/ آیات ۳۱ و ۳۰). این پنج سوره تماماً جزو سوره‌های مکی هستند؛ و همان‌گونه که گفته شده معلوم می‌شود این اتهام در مکه بین سران کفار مطرح بوده است (طباطبایی، ۱۳۵۳: ۱۶۰). شاعر از مقام و موقعیت فوق العاده‌ای برخوردار بوده به حدی که بالاتر از خطیب و رفیع‌تر از جنگجو بوده است. با پیدا شدن شاعری در قبیله مجالس جشن و سرور برگزار می‌گردید که قبیله صاحب شاعری شده است که در واقع او زبان گویای قبیله خواهد بود و با اشعارش هم می‌تواند تألیف قلوب نماید و هم دشمنان را هجو کند و با رجزهای جنگجویان را تشویق کرده و پیروزی‌ها را نصیبشان نماید و با رثاهایش مصائب و مصیبت‌ها را بیان کند و مصیبت‌زدگان را تسلی خاطر دهد. از جمله آیات نازل شده در این کتاب شریف چند آیه است که با بیان اوصاف شاعران دیدگاه خود را نسبت به آن‌ها بیان داشته و بهمین مناسبت یک سوره از قرآن بنام الشعراء نام گرفته است. خداوند در آیاتی از این سوره ابتدا در مقام نفی و رد شاعران آن‌ها را طرد کرده؛ اما برای اینکه این توهّم پیش نیاید که چرا؟ و علت ردّ آن‌ها چیست؟ اوصافشان را به خوبی بیان فرموده که علت طرد آن‌ها وجود آن خصائص است. در آخر با یک استثنا شاعران مورد نظر را با بیان اوصافشان مورد توجه و عنایت خاصّ خود قرار داده است (زغلول سلام، ۱۹۶۱ م: ۱۵۱).

تلمیح و فایده آن

تلمیح در لغت ((سبک نگرستن)) و ((گوشه چشم اشاره کردن)) است. دکتر سیروس شمیسا در کتاب خود ((فرهنگ تلمیحات)) در تعریف تلمیح می‌گوید: ((تلمیح به تقدیم لام بر میم از ریشه لحم در لغت به معنی دیدن و نظر کردن و آشکار ساختن و اشاره کردن است و در اصطلاح علم بدیع اشاره به قصه یا شعر یا مثل سائر است به شرطی که آن اشاره چنانکه از معنای شعر بر می‌آید تمام داستان یا شعر یا مثل سائر را در بر نگیرد)). (شمیسا، ۱۳۹۰: ۵). میمنت میر صادقی نیز در کتاب خود ((واژه نامه ی هنر شاعری)) در تعریف تلمیح می‌گویند: ((تلمیح از لمح است و لمح یعنی دزدیده و با شتاب به چیزی نگاه کردن. تلمیح به معنی با گوشه چشم اشاره کردن، آن است که شاعر یا نویسنده در اثر خود اشاره ای ضمنی و کوتاه به حادثه، شخص، اسطوره، داستان، ضرب المثل یا گفته ی معروفی بکند. بدین ترتیب نویسنده با ایجاد تداعی خواننده را در تجربه ای که خود از این مقوله دارد سهیم می‌کند و به سخن خود عمق و تاثیر بیشتری می‌بخشد. استفاده از تلمیح، نشانه ی وسعت اطلاعات و غنای فرهنگی شاعر است و بر لطف و عمق شعر می‌افزاید)). (میر صادقی، ۱۳۷۷: ۷۰).

نباید از وجوه زیبا شناختی و موسیقایی تلمیح فارغ بود؛ زیرا تلمیح جدا از اشارتی که به بخشی از دانسته های تاریخی، اساطیری، فرهنگی و ادبی داده می‌شود، از آن جا که در فرایندی تقابلی با واژگان می‌گیرد، نوعی لذت تداعی و موسیقی معنوی ایجاد می‌کند. به دیگر سخن در ورای اشارات و تلمیحات پشتوانه ی عظیمی از اندیشه و ادراک هر قومی نهفته است که در طول سالیان دراز شکل گرفته است و چکیده آن اندیشه ها در قالب تلمیحات مورد استفاده شاعران قرار می‌گیرد؛ بنابراین فایده تلمیح علاوه بر لذت موسیقی معنوی، آشنایی با فرهنگ و اعتقادات یک ملت نیز هست. (شعبانی، ۱۳۹۶)

زندگی نامه ی محمد مهدی جواهری

محمد مهدی جواهری در خانواده‌ای اهل علم و نامدار در نجف اشرف در ۱۷ ربیع الاول ۱۳۱۷ ق به دنیا آمد (محبوبه، ۱۹۸۶ م: ج ۲/ ۱۳۶). پدرش، عبدالحسین، از نوادگان شیخ محمدحسن نجفی بود. اولاد و نوادگان شیخ محمدحسن، نام خانوادگی خود را در انتساب به این کتاب، «جواهری»، «صاحب جواهر» و «جواهر کلام» برگزیده‌اند (عطیه، ۱۹۹۸ م: ۶). محمد مهدی از پنج سالگی خواندن و نوشتن را نزد برادر بزرگش، عبدالعزیز و قرآن را در مکتب‌خانه فراگرفت. او دارای حافظه‌ای عجیب بود به طوری که هنوز هشت سال بیشتر نداشت که هر روز آیاتی از قرآن، یک خطبه از نهج البلاغه، قطعه‌های از امالی مرتضی، قصیده‌ای از دیوان متنبی و قطعه‌ای از البیان و التبیین جاحظ را از بر می‌کرد و چنان که خود گفته، به جهت قدرت حافظه‌اش مورد غبطه و حسادت قرار می‌گرفت (میشال، ۱۹۹۹ م: ۲۸۹). جواهری همچنین جزء

نخستین روزنامه‌نگاران عراقی محسوب می‌شود که سال‌هایی طولانی از حیاتش را در تبعید به سر برده و به اکثر کشورها و شهرهای شرقی و اروپایی سفر کرده و با ادبیاتشان آشنایی داشته است (العریس، ۱۹۹۸: ۱۶). شهرت جواهری در دهه ۳۰ میلادی، از مرزهای عراق فراتر رفت و در کشورهای عربی مانند سوریه و لبنان و مصر به اغلب مناسبت‌های ادبی و شب‌های شعر و تجلیل از پیشروان شعر و ادب مانند ابوالعلاء معری و بحتری و سایر بزرگان دعوت می‌شد و در بسیاری از موارد، او اولین سخنران و شاعر بود؛ ولی او سیاست استعماری و تیره‌بختی مردم و فساد حاکمان را، حتی در این مناسبت‌ها فراموش نمی‌کرد و به صورتی تند و خشن بیان می‌کرد و اگر در محفلی، پادشاهی یا رئیس‌جمهور کشوری حاضر بود، امکان داشت دو سه بیتی در تعریف او بگوید تا بتواند صد بیت دیگر را به حمله به سرکوب‌گری و ظلم و خیانت اطرافیان ضد مردمی او اختصاص دهد (الموافی، ۲۰۰۷ م: ۷۳).

جواهری در خاطراتش می‌نویسد: «زیاد وارد سیاست می‌شوم؛ ولی از بازی‌های سیاسی اصلاً سر در نمی‌آورم.» او درباره شعر نیز می‌گوید: «شعر آن نیست که به یک باره مانند سیل خروشان بر زبان جاری شود، بلکه باید مانند شعله‌های آتش درون را بسوزاند، فکر را بشوراند و جان و وجدان را ملتهب کند تا شرایط انفجار آن فراهم شود.» جواهری در سال ۱۹۳۶ به خاطر موضع‌گیری‌های سیاسی در زندان مخوف ابوغریب چند ماهی زندانی شد. از شرایط سخت زندان، شعر الظلام (تاریکی) متولد شد که در بین مبارزان و روشنفکران زیادی که ماه‌ها یا سال‌های متمادی در آن زندان مخوف در بند بودند و حتی مردم عادی که از شنیدن نام این شکنجه‌گاه لرزه بر اندامشان می‌افتاد، انعکاس فراوانی یافت (الموافی، ۲۰۰۷ م: ۷۵).

محمد مهدی، امتیاز بزرگ دیگری نیز داشت و آن اعتراف صریح و فوری به اشتباهات و خطاهایش در مبارزه و تلاش در اصلاح آن‌ها بود. (همان، ۱۵۸). جواهری در سال ۱۹۲۸ دیوان شعر «بین شعور و عاطفه» را به چاپ رساند و پس از خروج از دربار، در فاصله بین سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۵ علاوه بر نشر روزنامه‌های مختلف که همه آن‌ها توقیف می‌شدند، در مدارس تدریس می‌کرد و از آنجا نیز اخراج می‌گردید. او در سال ۱۹۳۵ دیوان دوم شعر خود را به نام «دیوان الجواهری» منتشر کرد و در سال ۱۹۳۶ بعد از کودتای بکر صدقی که قول اصلاحات و تضمین آزادی‌ها را داده بود، روزنامه انقلاب را منتشر کرد و پس از این که حس کرد کودتاگران به قول‌های خود پشت پا می‌زنند، افشاگری کرد و کودتاچیان را به باد حمله گرفت. (میر بصری، ۱۹۹۹ م: ۱۴۸).

جواهری در سال ۱۹۳۷ که در سوریه جنبشی به پشتیبانی مقاومت ملت فلسطین در برابر انگلیس به راه افتاده بود، شرکت فعال داشت و در سال ۱۹۴۱ از جنبش مردمی دیگری در عراق پشتیبانی کرد و روزنامه «الرأی العام» را منتشر کرد و پس از شکست این جنبش به ایران آمد و در همان سال نیز به عراق برگشت. با تهاجم سرتاسری آلمانی‌ها به شوروی سابق و تشکیل گروه‌های متنفر از انگلیسی‌ها و سیاست‌مداران فرصت‌طلب که آلمان را برنده جنگ می‌دانستند و در سطوح مختلف سیاسی و دولتی از آلمانی‌ها پشتیبانی می‌کردند؛ او به تشکلهای ضد فاشیسم پیوست و مقاومت شوروی‌ها را در شهرهای مختلف آن کشور با اشعار و مقاله‌های مهیج ستود (الموافی، ۲۰۰۷ م: ۱۲۴).

او در سال ۱۹۸۹ اشعاری از عمرو بن ربیع، شاعر معروف عرب را تجزیه و تحلیل و منتشر کرد و همچنین در ۱۹۹۱ منتخبی از اشعار عرب قبل از اسلام و بعد از ظهور اسلام را بررسی و درباره آن‌ها اظهار نظر نمود. او در سال ۱۹۹۲ برای آخرین بار و برای مدتی کوتاهی به ایران آمد و در شب شعری که در تهران برایش ترتیب داده شد، قصیده معروف «آمنت بالחסین» (به حسین علیه‌السلام — ایمان آوردم) را خواند که مورد استقبال حاضران واقع شد (الموافی، ۲۰۰۷ م: ۱۳۵). جواهری با شعر، متعالی شد و شعر را به اوج رسانید. ادبای عرب، او را خداوند شعر، نابغه شعر و... خواندند و «محمود درویش» شاعر نامدار فلسطین، او را رودخانه سوم عراق خواند. جواهری در مدتی

اقامت در سوریه، خاطراتش را در سه جلد و نزدیک به هزار صفحه منتشر کرد که مروری بر زندگی او و نزدیک به یک قرن تحولات سیاسی و اجتماعی و مبارزات ملت عراق بود (الجواهری، ۱۹۷۲ م: ۴۸).

خیال الجواهری، نویسنده و دختر جواهری، یک کتاب ۴۰۰ صفحه‌ای را که حاوی مهم‌ترین بررسی‌های نویسندگان بزرگ عرب درباره جواهری است، منتشر کرده. او در این کتاب نوشته که پدرم یک شاعر انقلابی و مبارزی بود که با وجود حکومت‌های سرکوب‌گر در جست و جوی آزادی بود (الموافی، ۲۰۰۷ م: ۱۴۲). این شاعر و مبارز برجسته عراقی «در سال ۱۹۹۷ م در سن ۸۹ سالگی درگذشت.» (العریس، ۱۹۹۸: ۱۶).

زندگی نامه ی قیصر امین پور

قیصر امین‌پور در اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۸ ه.ش در بخش «گتوند» از توابع شهرستان «دزفول» متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش «گتوند» و «دزفول» به پایان رساند و (ابراهیم سلیم، ۲۰۰۹ م: ۳). وی تا زمان تحصیلات که با پیروزی انقلاب اسلامی مصادف بود در این شهر به سر برد. پس از آن در سال ۱۳۵۷ در رشته دامپزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد؛ اما «در سال ۱۳۵۸ از این رشته انصراف داد و در رشته علوم اجتماعی نام‌نویسی کرد. آن را هم نیمه‌کاره گذاشت و خارج از محیط دانشگاهی به فعالیت فرهنگی دلخواه خود سرگرم شد. با جمعی از هم‌فکرانش، در شکل‌بندی حوزه اندیشه و هنر اسلامی سهیم گشت. سپس در سال ۱۳۶۰، دبیر صفحه شعر هفته‌نامه سروش شد و تا سال ۱۳۷۱ در این سمت باقی ماند.» (اقتصادی نیا، ۱۳۸۶: ۱۳۸). او سرودن شعر را سال‌ها قبل از انقلاب شروع کرده بود و علاوه بر سرودن شعر در هنرهای دیگری نظیر خط، نقاشی، هنرهای تجسمی و قصه‌نویسی نیز تواناست؛ اما عمده‌ترین فعالیتش در زمینه شعر است. چنان که می‌توان او را به عنوان یکی از شاعران پر کار و فعال دوره خویش مطرح ساخت. قیصر در سال ۱۳۸۲ نیز به عنوان عضو فرهنگستان ادب و زبان فارسی انتخاب شد. وی سرانجام در آبان ماه سال ۱۳۸۶ بر اثر عارضه قلبی در گذشت (ابراهیم سلیم، ۲۰۰۹ م: ۴). حیات شعری قیصر امین‌پور به سه بخش عمده تقسیم می‌شود و در هر دوره، بنا بر شرایط اجتماعی و جهان‌بینی او، دارای سبک، واژگان و گفتمان خاصی است که آن را نسبت به دوره بعد متمایز می‌گرداند. (ر.ک؛ فتوحی رودمجنی، ۱۳۸۷: ۲۱ - ۱۰). آثار به جای مانده از قیصر امین‌پور را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: شعر و نثر. الف) شعر: تنفس صبح و کوچه آفتاب، آینه‌های ناگهان، گل‌ها همه آفتابگردانند، دستور زبان عشق، شعر نوجوان، منظومه ظهر روز دهم، مثل چشمه مثل رود، به قول پرستو. ب) نثر: طوفان در پرانتز (نثر ادبی برای نوجوانان)، بی بال پریدن (برای نوجوانان)، پژوهش‌های ادبی، سنت و نوآوری در شعر معاصر، شعر و کودکی. قیصر، در زمینه احساسات و عواطف به کار گرفته در اشعارش، از موقعیتی خاص برخوردار است. او در اشعارش حتی وقتی به من‌های شخصی خود می‌پردازد، برای تمام من‌های بشری می‌سراید. او از خلقت انسان می‌گوید و از حیات پس از مرگ، از همه چیز و همه کس سؤال می‌کند و خود را پاسخ‌گوی دردهای همه بشریت می‌داند. تخیل قوی و عاطفه سرشار و زبانی پیراسته و پخته، از امین‌پور شاعری ماندگار ساخته است که اگر دیر می‌زیست و به مرز پختگی می‌رسید بی‌تردید نام‌آورترین شاعر بعد از انقلاب اسلامی لقب می‌یافت. با این همه آنچه مسلم است هنر واقعی او استفاده بهینه از قالب غزل است که جهشی متین و ملایم و زیبا به سوی شعر نو که عاری از فنون و پیچیدگی‌هاست دارد. محتوا و مضمون غزل‌ها و اشعار امین‌پور عشق، جنگ، شهادت، ایثار، شهامت، باورهای پرجاذبه دینی، جسارت و شهامت است که همه و همه با آمیختگی عرفان و اخلاق در غزل‌های زیبای او جایی برای خود پیدا نموده است. زبان امین‌پور در غزل‌هایش، محکم، قاطع، شسته و پاکیزه است (شریفیان و صادقی، ۱۳۸۸: ۳۷). ساده و روان بودن زبان شعری او و به کارگیری زیباترین آرایه‌های لفظی و معنوی در قالب جملات تازه و ناشناخته، استفاده از صفات هنری؛ ولی بدون پیچیدگی‌های واژگانی و نحوی، او را به زبان و سبک شعری حافظ نزدیک می‌کند. استفاده از اصطلاحات عامیانه، ضرب‌المثل‌ها و تکیه کلام‌های روزمره و چینش آن‌ها در کنار کلمات هنری موزون و برجسته زبانی و هم‌چنین سخنان عرفانی را در بستر کلام

نشانندن، از ویژگی‌های شعر امین‌پور می‌باشد. در مورد ارزش شعر قیصر، همین بس که ناقد برجسته معاصر، دکتر شفیع کدکنی می‌گوید: «قیصر همین جایی که هستی، باش که شعر همین است که تو می‌گویی.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۷۳).

تأثیر قرآن کریم بر جواهری و امین‌پور

محمد مهدی جواهری و قیصر امین‌پور از شاعران معاصر مسلمان هستند که تأثیر قرآن در اشعار آن‌ها فراوان مشاهده می‌شود. هر دو شاعر در بیان اندیشه‌های خویش از آیات و سوره‌های بسیاری از قرآن، استفاده نموده‌اند و خود بدان معترفند.

جواهری در بخشی از دیوان خویش می‌گوید:

وَقَدْ قَرَأْتُ الشُّعْرَ فِي الْقُرْآنِ أَنْ مِنْ عَهْدِ النَّصَابِي (جواهری، ۲۰۰۸: ج ۱/۳۱۶)

و امین‌پور در مجموعه بی بال پریدن می‌نویسد: «من حاشیه هستم. به مسجد می‌روم، در حاشیه مسجد نماز می‌خوانم، نزدیک کفش‌ها، در حاشیه جلسه قرآن می‌نشینم. من قرآن خواندن را یاد گرفته‌ام، قرآن کتاب خوبی است. قرآن ما حاشیه ندارد. هیچ کلمه‌ای را در حاشیه آن ننوشته‌اند، اگر هم گاهی کلماتی در حاشیه باشند، آن کلمات حاشیه هم مثل کلمات دیگر عزیز و خوبند. من قرآن را دوست دارم. خوب است همه چیز مثل قرآن خوب باشد.» (امین‌پور، ۱۳۷۰: ۱۰-۱۱).

این نمونه‌ها دلیلی محکم و متقن بر استفاده آنان از قرآن است.

بررسی تلمیحات قرآنی در اشعار دو شاعر:

بررسی تلمیحات قرآنی در اشعار محمد مهدی جواهری

۱- حضرت محمد (ص)

اودی بِحُسْنَادِهِ غَيْضًا كَأَنَّ بِهٖ «محمد» و بشانیه «أَبَا لَهَبٍ»
(دیوان الجواهری، ج ۱/۳۱۰)

-ترجمه: از عصبانیت، حسودان خود را به هلاکت کشاند، گویی برای محمد (ص) قرار دارد و بر سرزنش کنندگان او «ابوله‌ب». شاعر در این بیت لفظ [أبا لهب] را از آیه: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ» (سوره مسد/ آیه ۱) اقتباس نموده است.

۲- حضرت آدم (ع)

أَعِنْدَكَ عِلْمٌ، أَنْبِي مِنْ مَعَاشِرٍ أَبُوهُمْ جَنَى وَ أختَارَ أَدْنَى الْمَسَالِكِ
هُمُ إِلَيَّ شَرُّ الْمَهَالِكِ، أَدَمُ فَهُمْ أَبْرِيَاءَ حَمَلُوا وَزَرَ هَالِكِ
(دیوان الجواهری، ج ۱/۱۱۹)

-ترجمه: هیچ میدانی که من از گروهی هستم که پدرانش جنایت کرد و پست ترین مسلک‌ها را انتخاب کردند. آدم آنها را به پست ترین مهالک انداخت، پس آنان بی گناهند و گناه هلاکت شده دیگری را به دوش می‌کشند.

این ابیات بر گرفته شده از داستان حضرت آدم است که خداوند از آدم (ص) خواست که به آن درخت نزدیک نشود، ولی شیطان باعث لغزش او شد و به این خاطر آنان از بهشت رانده شدند. جواهری در این ابیات از آیه زیر اقتباس معنایی کرده است.

«وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكَلَّا مِنْهَا رَعْدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ، فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ» (سوره بقره/ آیه ۳۶ - ۳۵)

شاعر در این ابیات متذکر شده که اگر از انسان خطایی سرزند، در واقع او بی گناه است، او گناه لغزش آدم (ص) را به دوش می‌کشد، که این عقیده جواهری پوچ است و بی‌اساس. چرا که دارای عصمت بوده و خطای او ترک اولی بوده نه گناه. گناه و خطای هر کس به عهده خود اوست و اختیار داشتن انسان دلیلِ بطلان این ادعاست.

۳- فرعون

- فرعونُ ذُو الْأوتادِ

نَامَ الرَّشِيدُ عَنِ الْعِرَاقِ وَ مَا ذَرَى عَنِ مِصْرِهِ، فِرْعَوْنُ ذُو الْأوتادِ
(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۱۷۱)

- ترجمه: رشید از عراق آسوده خوابید و ندانست که در مصر، فرعون «صاحب میخ‌ها» در حال حکومت است.

جواهری عبارت «فرعونُ ذُو الْأوتادِ» را از آیات زیر برداشت نموده است:

- «وَفِرْعَوْنُ ذِي الْأوتادِ» (سوره فجر/ آیه ۱۰)

- «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأوتادِ» (سوره ص/ آیه ۱۲)

علت اینکه به فرعون مصر، لقب (ذی الأوتاد) را دادند، این بوده که او هنگام شکنجه افراد، دستها و پاهای افراد را با چهار میخ به زمین می‌چسباند و بعد آنها را شکنجه می‌کرد.

۴- جبرئیل

أَعْمَالُكَ الْغُرُّ الْجِسَانُ خَوَالِدٌ وَ الْمَرْءُ عَنِ أَعْمَالِهِ مَسْـُـوُولٌ
(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۳۳۵)

- ترجمه: کارهای نیک و پسندیده تو، جاویدان و همیشگی است و هر انسانی مسئول کارهایی است که انجام

می‌دهند.

شاعر این بیت را می‌تواند از یکی از آیات زیر گرفته باشد:

- «يا ايها الذين آمنوا عليكم انفسكم لا يضركم من ضل اذا اهتديتم» (سوره مائده/ آیه ۱۰۵)

- «فمن ابصر فلنفسه و من عمى فعليها» (سوره انعام/ آیه ۱۰۴)

- «و لا تکسب کل نفس الا علیها» (سوره انعام/ آیه ۱۶۴)

- «وَقَفَّوْهُمْ اِنْهُمْ مَسْئُولُونَ» (سوره صافات/ آیه ۲۴)

- «... اِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ اُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (سوره اسراء/ آیه ۳۶)

جواهری در این بیت تاکید می‌کنند که انسان در برابر کارهایی که انجام می‌دهد [چه خوب - چه بد] مسئول است؛ و اینکه کارهای شایسته و پسندیده هر انسانی، جاویدان خواهد ماند.

۵- اصحاب کهف

وَ قَدْ نَفَضَ الْكَهْفُ عَنْ اَهْلِهِ
غُبَارَ السَّنِينِ وَ وَعَثَ الْبَلْبَلِی
(دیوان الجواهری، ج ۳ / ۲۰۸)

-ترجمه: غار، از یاران خود، گرد و غبار سالیان دراز و کهنگی و پوسیدگی را برداشت و پاک کرد.

این بیت اشاره‌ای است به سوره کهف، آیات ۱۱ و ۱۲ که داستان اصحاب کهف را بیان می‌کند:

«فَضَرْنَا عَلٰی اَذَانِهِمْ فِی الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا * ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ اٰیُّ الْحِزْبِیْنِ اٰحْصٰی لِمَا لَبِثُوا اَمَدًا» و نیز آیه ۲۵ این سوره:
«وَلَبِثُوا فِی كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِیْنَ وَاِزْدَادُوا تِسْعًا».

۶- حضرت یونس (ع)

الضَّارِعِیْنَ لَاقِدَارٍ تُجَلُّ بِهَمِّ
كَمَا تَلَوٰی بِبَطْنِ الْحَوْتِ ذُو النُّونِ
(دیوان الجواهری، ج ۵ / ۸۸)

-ترجمه: کسانی که به خاطر قضا و قدری که به آنها رسیده است و ناتوان شده‌اند، همانند ذوالنون [حضرت یونس (ع)] که در شکم ماهی به خود پیچیده و ناتوان شده بود. این بیت اشاره ایست به داستان حضرت یونس (ع) که در شکم ماهی بود. شاعر با الهام از این داستان این بیت را سروده: - «فَالْتَقَمَهُ الْحَوْتُ وَهُوَ مَلِیْمٌ * فَلَوْلَا اَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِیْنَ * لَلَبِثَ فِی بَطْنِهِ اِلٰی یَوْمِ یُبْعَثُونَ» (سوره صافات/ آیه ۱۴۲ - ۱۴۴)؛ و نیز جوهری واژه [ذو النون] را از آیه:

- «وَدَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَّنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ ...» (سوره انبیاء/ آیه ۸۷)

خداوند از یونس (ع) خواست که قومش را هدایت کند، ولی قومش ایمان نیاوردند، سپس وقتی نزدیک عذاب الهی شد. یونس از میان قومش رفت و به ساحل دریا رسید. در آنجا یک کشتی پر از مسافر بود. از آنها خواست که او را با خود ببرند. آبی شک یونس پیامبری معصوم بود و هرگز مرتکب گناهی نشد ولی بهتر بود تا آخرین لحظات پیش از نزول عذاب در میان قوم خود می‌ماند [پس از آنکه یونس سوار بر کشتی شد ماهی عظیمی سر راه کشتی قرار گرفت و دهان باز کرد سرنشینان کشتی گفتند: به نظر می‌رسد گناه‌کاری در میان ماست که باید طعمه این ماهی شود. قرعه افکندند و قرعه به نام یونس (ع) افتاد. او را در دهان ماهی انداختند. خداوند به ماهی فرمان داد تا به بنده‌اش آزاری نرساند. خدا می‌خواست که او متوجه ترک اولای خود شود، او نیز متوجه شد و توبه نمود.

۷-هابیل و قابیل

مِنْ عَهْدِ قَابِيلٍ وَ كُلُّ ضَحِيَّةٍ
رَمَزُ اصْطِرَاعِ الْحَقِّ وَ الْأَهْوَاءِ
(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۲۱۷)

-ترجمه: از زمان قابیل [تا کنون] هر قربانی، رمزی بوده است از دیگری. حق و باطل [هوا و هوس] این بیت شاعر به میادین معرکه حق و باطل است که جبهه حق برای تقویت خود قربانی دادند؛ مانند قتل یحیی، به دار رفتن عیسی، عقر ناقه صالح و... این بیت اشاره دارد به آیه ۲۷، سوره مائده: - «... قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ». این آیه درباره هابیل و قابیل است که خداوند هابیل را وصی آدم بر روی زمین قرار داد و اسم اعظم به او آموخته شد. قابیل که برادر بزرگتر بود و خود را از هابیل سزاوارتر می‌دانست، بنابراین بنا شد که هر کدام یک قربانی تقدیم کنند و از هر کس که قبول شد او وصی حضرت آدم (ع) شود؛ و به خاطر اخلاص و تقوای هابیل، قربانی از او پذیرفته شد و قابیل از این رویداد سخت ناراحت شد و دست به جنایت هولناکی زد و برادرش هابیل را کشت. جواهری با الهام از این رویداد این بیت را سروده و تاکید می‌کند که اولین قربانیان جهان [هابیل و قابیل] بر سر حق و باطل همدیگر را به قتل رساندند.

۸-عاد و ثمود

وَ تَحْرِيقُ لُوطٍ بِذَنْبِ أَتَى
وَ أَخْذُ ثَمُودَ بِسَوْءِ رَغَا
(دیوان الجواهری، ج ۳ / ۲۱۳)

-ترجمه: و آتش زدن لوط [قوم لوط] به خاطر گناهی بود که انجام داده بود و عذاب کردن ثمود [قوم ثمود] به خاطر ماده شتری بود که بچه شتر نری داشت. جواهری در مصرع اول اشاره به گناه بزرگ قوم لوط می‌کند که از گناه آنها [لوط] زمین چنان گریه‌ای سر داد که اشک‌هایش به آسمان رسید و آسمان نیز چنان گریه‌ای سر داد که اشک‌هایش به عرش رسید، در این هنگام خداوند به آسمان وحی کرد که آنها را سنگ باران کند و به زمین نیز وحی کرد که آنها را فرو برد؛ بنابراین معنای مصرع اول این بیت اقتباسی است از آیات: - «فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ» (سوره هود/ آیه ۸۲)

- «فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ * فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ» (سوره حجر/ آیه ۷۳ - ۷۴) و مصرع دوم آن برداشتی است از آیه:

- «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُخْتَطِرِ» (سوره قمر/ آیه ۳۱)

جواهری در مصرع دوم این بیت، اشاره به عاقبت قوم ثمود دارد. قوم ثمود پیامبر خود [حضرت صالح (ع)] را تکذیب کردند و از فرمانش سرپیچی کردند و گفتند ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا اینکه از این کوه، ماده شتری حامله برایمان درآوردی. خداوند نیز طبق خواسته آنان ماده شتری حامله را از دل صخره بیرون آورد که معجزه‌ای برای حقانیت صالح (ع) بود. خداوند به حضرت صالح وحی فرمود که به آنان بگو: که خداوند آب را بین شما و این ناقه تقسیم کرده است. آب یک روز برای شتر و روز دیگر برای شما، روزی که نوبت شتر بود و آن حیوان آب را می‌نوشید و بزرگ و کوچک از شیر او می‌نوشیدند. مدتی به همین صورت گذشت. تا اینکه قوم ثمود از فرمان خدا سرپیچی کردند و تصمیم به قتل ناقه گرفتند که مردی سرخ رو - موخرمایی و حرام زاده [قدار] شتر را نحر کرد. بچه آن ناقه فرار کرد و به بالای کوه رفت و سه بار به آسمان رو کرد و فریاد زد. خداوند به

صالح (ع) فرمود که به قومت بگو من سه روز به آنها مهلت می‌دهم اگر قبل از روز سوم توبه کردند توبه آنها را می‌پذیرم؛ اما اگر توبه نکردند عذابم را بر آنها می‌فرستم، آنها توبه نکردند و خداوند عذاب خود را نازل کرد و با صیحه‌ای از آسمان، آتشی فرستاد و آنها را سوزاند.

۹-قارون

أَقُولُ لَوْ كُنْتُ قَارُونَ وَقَدْ عَلِمْتُ كَفَّائِ أَنْ لَيْسَ يُجْدِي كَنْزُ قَارُونَ
(دیوان الجواهری، ج ۵ / ۱۰۱)

-ترجمه: می‌گویم اگر گنج قارون را [در اختیار داشتم] حال آنکه دستانم می‌دانند، گنج قارون نیز فایده‌ای به حالم ندارد این بیت از معنای آیات زیر گرفته شده است:

- إِنْ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (سوره قصص / آیه ۷۶)

- «... قَالَ الَّذِينَ يَرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (سوره قصص / آیه ۷۹)

۱۰-حادثه قیامت

الْيَوْمُ يَنْشُرُ لِلْحَسَابِ كِتَابَكُمْ فِي مِوْطِنِ جَمْعِ الْحَسَابِ فَدَوِّتَا
(دیوان الجواهری، ج ۴ / ۳۰۳)

ترجمه: امروز روزی است که دفتر اعمال شما برای حساب‌رسی باز می‌شود در حالی که تمامی اعمال و حساب شما نوشته و تدوین و جمع‌آوری شده است. شاعر در این بیت از آیات زیر الهام گرفته است.

- «... وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا * أَقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا» (سوره اسراء / آیه ۱۳ - ۱۴)

- «... وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ ...» (سوره یونس / آیه ۶۱)

- «وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ» (سوره تکویر / آیه ۱۰)

- «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ» (سوره مطفین / آیه ۷)

- «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَّيْنِ» (سوره مطفین / آیه ۱۸)

- «... يَلْقَاهُ مَنْشُورًا» (سوره اسراء / آیه ۱۳)

در این بیت جواهری متذکر می‌شود که تمام اعمال آدمی [ریز و درشت] با تمامی جزییات در نامه‌ای ثبت می‌شود و روز رستاخیز اگر انسان نیکوکار باشد نامه عملش به دست راست او و اگر بدکار باشد نامه عملش بر دست چپ او خواهد بود.

أَطِيقُ إِلَيْ يَوْمِ النَّشْورِ وَ يَوْمِ تَكْتُمِ لُ النَّصَابِ
(دیوان الجواهری، ج ۳ / ۴۰۹)

-ترجمه: تا روز قیامت و روزی که نصاب‌ها کامل خواهد شد، بخواب

و این بیت نیز اشاره دارد به آیه ۱۰۳، سوره هود:

- «... ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لُّهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ» و همچنین اشاره ایست بر آیه:

- «قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتٍ يَوْمٍ مَعْلُومٍ» (سوره واقعه/ آیه ۴۹ - ۵۰)

۱۱- حضرت عیسی (ع)

أَعْمَالُكَ الْغُرَّ الْجِسَانُ خَوَالِدٌ وَ الْمَرْءُ عَنِ أَعْمَالِهِ مَسْئُولٌ
(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۳۳۵)

-ترجمه: کارهای نیک و پسندیده تو، جاویدان و همیشگی است و هر انسانی مسئول کارهایی است که انجام

می‌دهند. شاعر این بیت را می‌تواند از یکی از آیات زیر اقتباس گرفته باشد:

- «يا ايها الذين آمنوا عليكم انفسكم لا يضركم من ضل اذ اهتديتم» (سوره مائده/ آیه ۱۰۵)

- «فمن ابصر فلنفسه و من عمى فعليها» (سوره انعام/ آیه ۱۰۴)

- «و لا تكسب كل نفس الا عليها» (سوره انعام/ آیه ۱۶۴)

- «وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (سوره صافات/ آیه ۲۴)

- «... إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (سوره اسراء/ آیه ۳۶)

جواهری در این بیت تاکید می‌کنند که انسان در برابر کارهایی که انجام می‌دهد [چه خوب - چه بد] مسئول است؛ و اینکه کارهای شایسته و پسندیده هر انسانی، جاویدان خواهد ماند.

۱۲- حضرت موسی (ع)

رَبُّ لِيَصْهِيونَ عَجَلٍ صَبِغَ مِنْ ذَهَبٍ وَ رَبُّ مُوسَى كَالْوَالِحِ لِيَه رَمِيمٍ
(دیوان الجواهری، ج ۵ / ۲۵۵)

-ترجمه: پروردگارا، صهیونیستی را گوساله‌ای از طلا را می‌پرستند و قوم موسی تابلوهای پوسیده را.

جواهری در این بیت از آیه: «وَأَتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَغْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجَلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ أَلْمُ يَرَوْنَ أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ» (سوره اعراف/ آیه ۱۴۸) الهام گرفته است.

إِلَّا قَبَسًا مِنْ شُعَاعِ الْكَلِيمِ تُعِيدُ عَلَيَّ الشَّرْقِ يَا «طُورَ سَيْنَا»
(دیوان الجواهری، ج ۱ / ۲۳۵)

-ترجمه: مگر قسمتی از نور حضرت موسی که بر شرق یا بر طور سینا برگردد. مصرع اول این بیت از کلام الهی گرفته شده است، آنجا که فرموده:

- إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاتِيكُمْ مِنْهَا بَخْبَرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿۲۹﴾ فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۳۰﴾ يَا مُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (سوره نمل/ آیات ۷-۹)
- «فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا...» (سوره قصص/ آیه ۲۹)

بررسی تلمیحات قرآنی در اشعار قیصر امین پور

۱- حضرت آدم (ع)

و طعم میوه ممنوع/ که تا تنفس سنگ/ ادامه خواهد داشت (امین پور، ۱۳۷۲: ۶۷)

نه گندم و نه سیب / آدم فریب نام تو را خورد (امین پور، ۱۳۷۲: ۴۱)

پسینگاه جمعه؛/ همان لحظه‌های هبوط/همان وقت میلاد آدم! (امین پور، ۱۳۸۶: ۷۵).

من از عهد آدم تو را دوست دارم/ از آغاز عالم تو را دوست دارم (امین پور، ۱۳۸۶: ۷۹).

از ازل تا به ابد پرسش آدم این است:/ دست بر میوه حوا بزنم یا نزنم؟ (امین پور، ۱۳۸۶: ۱۰۹)

خسته‌ام از این کویر، این کویر کور و پیر/ این هبوط بی دلیل، این سقوط ناگزیر (امین پور، ۱۳۷۲: ۸۵)

پسینگاه جمعه؛/ همان لحظه‌های هبوط/همان وقت میلاد آدم! (امین پور، ۱۳۸۶: ۷۵).

شاعر در نمونه‌های بالا به داستان زندگی آدم (ع) که اشاره کرده است.

موضوعاتی از زندگی این پیامبر که امین پور به آن اشاره کرده است شامل موارد زیر است:

۱- آفرینش و نخستین بشر بودن او

۲- فریب شیطان و گناه خوردن میوه ممنوعه

۳- اخراج آدم (ع) از بهشت و هبوط او

این‌ها مواردی است که در قرآن هم آمده است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

- «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى. فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» (سوره طه/آیات ۱۲۰-۱۲۱)

- «وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (سوره اعراف/آیه ۱۹)

- «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمُ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (سوره اعراف/آیه ۲۷)

۲- هابیل

از بی شمار نام شهیدان/هابیل را که نام نخستین بود/دیگر/این روزها به یاد نمی آوری / هابیل / نام دیگر من بود (امین پور، ۱۳۷۲: ۴۱-۴۲)

نمونه فوق از قیصر امین پور به داستان هابیل و قابیل و کشته شدن هابیل به دست قابیل اشاره دارد. شاعر هابیل را اولین شهید معرفی می‌کند. در قرآن، در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره مائده نیز به این حادثه اشاره شده است: «وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ. فَطَوَعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ»

۳- حضرت یوسف (ع)

یکی دیگر از شخصیت‌های قرآنی که در اشعار امین پور بدان اشاره شده حضرت یوسف (ع) پسر یعقوب (ع) است؛ که زیبایی او برای او مشکلات فراوانی ایجاد کرد. شاعر در اشعارش به زیبایی یوسف و نیز عشق زلیخا به او اشاره کرده است که سبب شد، به دستور عزیز مصر زندانی شود.

هم حسن یوسف/ تمام جمال خودش را نشان می‌دهد (امین پور، ۱۳۸۶: ۲۸)

یوسف، برادرم نیز / تنها به جرم نام تو/ چندین هزار سال / زندانی عزیز زلیخا بود (امین پور، ۱۳۷۲: ۴۲)

کاملاً واضح است که شاعر این مضامین را از آیات زیر اقتباس نموده است:

- «قَالَ مَا خَطْبُكَ إِذْ رَاوَدْتَنِي يُوسُفُ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ. ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ» (سوره یوسف/آیات ۵۱-۵۲)

شاعر در دو سروده زیر به ماجرای خواب دیدن حضرت یوسف و حسادت برادران به او و انداختنش در چاه اشاره می‌کند.

فرزندم! رویای روشنت را/دیگر برای هیچ کسی بازگو مکن!—

حتی برادران عزیزت / می ترسم / شاید دوباره دست بیندازند / خواب تو را / در چاه / شاید دوباره گرگ /... / می دانم / یازده ستاره و خورشید و ماه / در خواب دیده‌ای / حالا باش!! / تا خواب یک ستاره دیگر / تعبیر خواب‌های تو را / روشن کند / ای کاش!... (امین‌پور، ۱۳۸۶: ۱۲)

این بوی غربت است / که می‌آید / بوی برادران غریبم / شاید / بوی غریب پیرهنی پاره / در باد / نه!! / این بوی زخم گرگ نباید باشد / من بوی بی پناهی را / از دور می‌شناسم (امین‌پور، ۱۳۷۲: ۱۲۸)

که هر دو مورد اقتباسی است معنایی از آیات ۵ تا ۱۶ سوره یوسف است.

- «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ. قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ... وَ لَوْ كُنَّا صَادِقِينَ.»

۴- حضرت موسی (ع)

قومی از زخم و خون نسل در نسل / از تبار جنون پشت در پشت / سوزشان آتش طور موسی / داغشان مهر محراب زرتشت (امین‌پور، ۱۳۷۲: ۱۵۴)

این شعر به ماجرای آتش طور اشاره دارد. در قصص الانبیا از آدم تا خاتم آمده است: هنگامی که موسی هشتاد و دو سال کار شبانی برای شعیب را به پایان برد با همسرش در راه سفر به مصر به وادی ایمن رسیدند. هوا آن شب سرد بود و بادهای گزنده می‌آمد. ناگاه موسی به سوی کوه سینا نظر کرد. آتش برافروخته‌ای دید. عصای خود را برگرفت و به صفورا گفت: «امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ» اینجا بمانید که من از دور آتشی دیدم شاید خبری از آن یا شعله‌ای برایتان بیاورم باشد که خود را گرم کنیم. (سوره قصص / آیه ۲۹)

در نمونه دیگری از این شاعر به معجزه ید بیضاء شاعر اشاره شده است.

از چشم هر شهید/ یک قطره اشک شوق بگیرد/ یک قطره اشتیاق زیارت/ فواره‌ای ز نور بکارید/ قلبی از آینه، دلی از دریا/ او گردنی بلند/ از آبشار پاک تواضع/ یا از غرور محض بسازید/ از آستین روشن موسی/ دستی به رسم وام بگیرد (امین‌پور، ۱۳۸۹: ۳۷۸)

که از آیه ۲۲ سوره طه اخذ شده است.

- «وَ اصْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِّنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَىٰ»

۵- حضرت عیسی (ع)

مسیح در فرهنگ ایرانی مظهر آزادگی و پاکی و راستی است و همین معنی از او چهره‌ای محبوب و دلنشین در مخیله این قوم ترسیم کرده است. این مقبولیت تا حدی است که در عرفان ایرانی شاخه اصیل فرهنگ این مرز و بوم، مسیح نماد وارستگی و ترک دنیا و توجه مطلق به حق و حقیقت شناخته شده است و صفت مجرد به او اختصاص یافته است.

عیسی مسیح در نزد مسلمانان یکی از پنج پیامبر اولوالعزم است. آیاتی از سوره‌های بقره، آل عمران، نساء، مائده و مریم به زندگی حضرات مسیح و مریم و طهارت و تقوای این خاندان اختصاص یافته است. علاوه بر این در سوره‌های بقره، توبه، مومنون و تحریم نیز به این معنی اشاره‌های پراکنده شده است. قرآن کریم از مسیح به عنوان کلمه‌الله یاد می‌کند و از یاری روح‌القدس

و سخن گفتن عیسی در گهواره و آموختن کتاب و حکمت و تورات و انجیل و معجزات مسیح سخن می‌گوید. آنچه از زندگی این پیامبر مورد توجه قیصر امین‌پور بوده نفس حیات‌بخش اوست.

تا باز روح قدسی حافظ مدد کند/ دم می‌زدم که کار مسیحا کنم؛ ولی (امین‌پور، ۱۳۸۶: ۱۳۵)

...اما تمام عمر/ در انتظار یک دم عیسی‌وار /م اندیم (امین‌پور، ۱۳۸۹: ۱۵۳)

که اقتباسی است معنایی از آیات زیر:

-«إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتْكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ ... إِنَّ هَذَا إِلاَّ سِحْرٌ مُّبِينٌ.» (سوره مائده/آیه ۱۱۰)

-«وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ ... إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.» (سوره آل عمران/آیه ۴۹)

۶-نمرود

در سروده زیر شاعر کینه دشمنان نسبت به مردم ایران در جنگ تحمیلی را به دشمنی نمرود نسبت به حضرت ابراهیم تشبیه کرده است.

نمرودیان همیشه به کارند/ تا هیماه‌ای به حیطة آتش بیاورند/ اما/ ما را از آزمایش آتش هراس نیست/ ما بارش همیشه باران کینه را/ با چترهای ساده عربانی/ احساس کرده‌ایم (امین‌پور، ۱۳۸۹: ۳۷۴)

این سروده یادآور داستان به آتش افکندن حضرت ابراهیم به دستور نمرود و نمرودیان است؛ که خداوند در آیه ۹۷ سوره صافات بدان اشاره کرده است.

-«قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ»

۷-حضرت اسماعیل

تقویم‌ها گفتند و ما باور نکردیم	عمری به جز بیهوده بودن سر نکردیم
ما نیز جز خاکستری بر سر نکردیم	در خاک شد صد غنچه در فصل شکفتن
لیبک گفتن را لیبی هم تر نکردیم	دل در تب لیبک تاؤل زد ولی ما
همسایه با تصویری از خنجر نکردیم	حتی خیال نای اسماعیل خود را

(امین‌پور، ۱۳۸۹: ۳۹۲)

در ابیات فوق شاعر برای القای این مضمون که عده‌ای عمر را به بیهودگی گذراندند و دین شهداء را ادا نکردند به داستان حضرت اسماعیل و ماجرای آزمون قربانی شدن وی به امر خدا اشاره می‌کند. شاعر در سرودن این شعر از قرآن الهام گرفته است.

-«فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ ... إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ. إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ.» (سوره صافات/ آیات ۱۰۲-۱۰۶).

نتیجه

- اشعار جواهری و امین پور، آینه‌ی تمام‌نمای شاعران مسلمان متعهد شیعه و معاصر است که به نظم ادبی درآمده‌اند.
- کاربرد وسیع انواع تلمیحات در اشعار جواهری و امین پور موجب خلق معانی تازه می‌گردد؛ و همچنین باعث غنی‌سازی ساختن تصاویر شعری آنان می‌شود. این ویژگی و توانایی آنها نشان‌دهنده وسعت آگاهی‌شان می‌باشد و همواره لذت ادبی فراوانی را نیز برای خوانندگان به همراه دارد.
- در بین تلمیحات، تلمیح به داستان‌های قرآن در اشعار جواهری و امین پور آشکارتر است. میزان بسامد استفاده از مضامین قرآنی در اشعار جواهری زیاده‌تر است، اما قیصر بیشتر از تلمیحات قرآنی بهره‌مند شده است.
- جواهری و امین پور سخت با قرآن کریم مانوس بوده به همین دلیل قرآن کریم نقش چشم‌گیری در قوت سخنوری جواهری و امین پور داشته است و راز مقبولیت و محبوبیت و ماندگاری آثار آنان همین روح آسمانی بلند سخنوری آنهاست که از پشتوانه‌ی غنی، قوی و ملکوتی چون قرآن برخوردار است.
- میراث دینی از مهم‌ترین مایه‌های ساخت شعر و از پربرترین منابع الهام‌گیری شاعران در جهت بازگویی احساسات درونی و اندیشه‌های ایشان محسوب می‌گردد. در این بین قرآن کریم به دلیل عمق معانی، غنای واژگان، از ارزشمندترین منبع دینی الهام‌بخش نزد شاعران و نویسندگان مسلمان قرار دارد.
- اقتباس از داستان‌ها، تصاویر و مفاهیم قرآن همه نشانگر توجه ایشان به قرآن به عنوان یک عنصر اساسی در زندگی است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اقتصادی‌نیا، سایه. (۱۳۸۶). مروری بر کارنامه شعر قیصر امین‌پور. نشریه نامه فرهنگستان، زمستان، دوره ۹، شماره ۴ (پیاپی ۳۶): ۱۳۸-۱۴۹.
۳. اقتصادی‌نیا، سایه. (۱۳۸۶). دستور زبان عشق، چاپ، مروارید، تهران، ایران.
۴. اقتصادی‌نیا، سایه. (۱۳۸۹). مجموعه کامل اشعار قیصر، چاپ چهارم، مروارید، تهران، ایران.
۵. اقتصادی‌نیا، سایه. (۱۳۷۰). بی‌بال پریدن، افق، تهران، ایران.
۶. شریفیان، مهدی؛ و صادقی، سهیلا. (۱۳۸۸). عشق به انسان، وطن و مقاومت در شعر قیصر امین‌پور. پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال هفتم، شماره سیزدهم، پاییز و زمستان: ۲۳-۳۸.
۷. شعبانی، مسلم. (۱۳۹۶). فصلنامه علمی تخصصی ادبیات، عرفان و فلسفه دوره ۳، شماره ۲.
۸. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۱). نقد ادبی. چاپ پنجم، نشر ققنوس، تهران، ایران.
۹. شمیسا، سیروس. (۱۳۹۰). فرهنگ تلمیحات، تهران: نشر میترا.
۱۰. فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۸۷). سه صدا، سه رنگ، سه سبک در شعر قیصر امین‌پور. ادب‌پژوهی، شماره پنجم: ۳۰-۹.
۱۱. میر صادقی، میمنت (۱۳۷۷). واژه‌نامه‌ی هنر شاعری، فرهنگ تفصیلی اطلاعات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن، تهران: انتشارات کتاب مهناز.

۱۲. ابراهیم سلیم، فکری. (۲۰۰۹ م). فن الرباعی عند القیصر امین پور. الطبعة الاولى، قاهره، مصر.
۱۳. الجواهری، محمدمهدی. (۱۹۷۲ م). الجواهری فی العیون من اشعاره. الطبعة الاولى، دار طلاس، دمشق، سوریه.
۱۴. العریس، ابراهیم. (۱۹۹۸ م)، ذاكرة القرن العشرين، رحیل الشاعر العراقی محمدمهدی الجواهری. جریده الحیاة العدد ۱۲۹۲۸، تاریخ النشر: ۱۹۹۸ / ۷ / ۲۷ / ۷.
۱۵. العطیة، جلیل. (۱۹۹۸ م). الجواهری، شاعرٌ من القرن العشرين. الطبعة الاولى، منشورات جمل، بیروت، لبنان.
۱۶. الموافی، محمّد عبدالعزیز. (۲۰۰۷ م). الجواهری آخر الفحول. الطبعة الاولى، دار الغریب، قاهره، مصر.
۱۷. بصری، میر (۱۹۹۹ م). اعلام الادب فی العراق الحدیث. الطبعة الاولى، دارالحکمه، لندن، بریطانیا.
۱۸. جواهری، محمدمهدی. (۱۹۷۲ م)، دیوان الجواهری، وزاره اعلام، مدیریة الثقافه العامه، مطبعه الادیب البغدادیة، بغداد، عراق.
۱۹. جواهری، محمدمهدی. (۲۰۰۸ م)، دیوان الجواهری، طبعه الثاني، دار الحریة، بغداد، عراق.
۲۰. زغلول سلام، محمّد. (۱۹۶۱ م). اثر القرآن فی تطوّر النقد العربی، الطبعة الثاني، دارالمعارف، بیروت، مصر.
۲۱. محبوبه، جعفر. (۱۹۸۶). ماضی النجف و حاضرها. الطبعة الثاني، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزی، بیروت، لبنان.
۲۲. میشال، خلیل حجا. (۱۹۹۹ م)، الشعر العربی الحدیث، من أحمد شوقی إلى محمود درویش، الطبعة الاولى، دار العوده و دار الثقافه، بیروت، لبنان.

Reflection of the Quranic Stories in the Poems of Mohammad Mehdi Javaheri and Qeysar Aminpour

Kobra Barani

Masters student, Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Kahnouj Branch, Kahnouj, Iran

Abstract

Muslim writers and scholars have always benefited from the Qur'an, Hadith and religious stories which in various ways have been reflected in their works. One of the possibilities through which the poet can link the imaginative role of poetry to its meaning creation capacity and increases the effectiveness of the poetry is by use of allusion. Talmih(allusion) in Arabic language is based on infinitive Tafil which means to look at something and to reveal it, and in Badi'e figure it is used to refer to a novelist or poet who proves his speech by a verse, hadith, story, parable, or a famous poem. The value of allusion depends on the amount of association that comes from it. Mohammad Mehdi Javaheri and Qeysar Aminpour are the Muslim poets of the contemporary Arab and Iranian period, whose poems contain a lot of Quranic and religious allusions. In this research, we are going to consider the Quranic allusions in the poems of these two poets. The results of this research showed that the allusions of Javaheri and Aminpour were based on their attention to the stories and Quranic events.

Keywords: Allusion, Story, Holy Quran, Mohammad Mehdi Javaheri, Qaisar Aminpour.
